

نه شیر شتر ونه هم دیدار عرب ! یک کشور با تخفیف به فروش می رسد !

پیوسته به گذشته قسمت چهارم :



نوشته ای از محمدامین فروتن

قرار بر این بود تا به سلسله گذشته مبحث ضرورت تغییر در قانون اساسی را به مثابه یکی از شرایط عمده و اپوزسیون مسلح دستگاه مافیائی کنونی یعنی همان بخشی از بازی قدرت در جامعه ما که در موجی از جنون تقدیس شده انسان این نمائنده پروردگار در زمین را آسان تر از یک گنجشک " پرنده " به خاک و خون میکشند و نوجوانان نابالغی را که خود با انجام و اجرای این عمل انتحاری کشته میشوند مستحق پاداش الهی بویژه حوریانی که در حرم سراهای بهشت انتظار این نوجوانان را میکشند! می شمارند ، ادامه می دادیم مگر سرعت حوادث در جامعه ما که نمادی از بحران در این کشور است هر ناظر و تحلیلگر حوادث تاریخی و اجتماعی به شمول این حقیر را ناگزیر میسازند تا هر چند گاهی نتوانیم مبحثی را آنچنانکه آغازیده ایم ادامه بدهیم . چنانچه در هفته ای که چهارمین قسمت نوشته ام با شگفتن تمامی جوانب و انگیزه های خواست تغییر قانون اساسی افغانستان باید زیر بحث میگرقتیم رسانه ها و خبرگزاریهای معتبر جهان اعم از خبرگزاری های وابسته به شرکت های مافیای جهان صنعتی غرب و یاهم رسانه های وابسته به استبداد شرقی که حامل برنامه های جهان سرمایه اند خبر سفر جلالتمآب کرزی رئیس اداره کابل به قصر سفید را به عنوان خبر مهم سال ۲۰۱۳ روی انتن تبلیغات بردند و آنرا سفر مبارک ، و پرفیض برای توده های بخواب برده شده افغانستان خواندند . با سپری شدن یازده سال تمام که از عمر مبارکه رژیم مافیائی که جلالتمآب کرزی شرائطی به ظاهر « پهلوان پنبه ای » را برای امضای معاهدات امنیتی و نظامی که تجهیز و اکمال ارتش یا نیروهای امنیتی اعم از « پولیس – نیروهای استخباراتی و

ارتش ملی « دولت جمهوری اسلامی افغانستان بوده باشند ، از همین رسانه های مافیائی به کمک و پشتیبانی شبه پژوهشی تحلیل گران حرفوی بیان گردیدند. و تحلیل گران و کارشناسان " سیا " سی با تناسب امتیازاتی که از بیان مزایای توجیه های هر گزارش کسب میکنند ، سفر جلالتمآب کرزی را نیز از جنس استخاره و انمود کردند و آنرا برای مردم ستمدیده و کشور بیمار افغانستان یک سفر مقدس و ارزشمند به حال رعیت گوسفندی تشخیص فرمودند . اما سرانجام پرده از روی زیبایی « قدرت خانم * » بر آفتید و ملاقات تاریخی و سراپا فرمائیشی !! میان جلالتمآب کرزی رئیس دولت اسلامی افغانستان و اعلیحضرت بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا صورت گرفت و مانند هر سفر دیگری توام با تشریفات و ملاقات های خسته کننده و بدون نتیجه پایان یافت .

شنیدن این چنین نتایج درد ناک با حد اعلاى از خود گذشته گى غلامانه یکجانبه !! به مثابه یک انسان متولد در جغرافیای بنام افغانستان با هویت اسلامی و ملی آن ضرب المثل معروف را به خاطر آورد که میگوید « ما نه شیر شتر می خواهیم و نه دیدار عرب را ! » البته که این ضرب المثل ضرب المثل نه در مقام توهین به اعراب است و نه تحقیر کسانی که از شیر شتر ارتزاق میکنند ؛ بلکه سخن از «عرب و سیاه پوست خاصی » است که گرفتن شیر از شتر وی مستلزم دیدار با صاحب شتر بوده و دیدار صاحب شتر نیز چنان ناراحت کننده و رنج آور بود که بخاطر نجات از دیدار وی امید خود را از اساس قطع نموده و از خوردن شیر صرف نظر کرده بود و می گفت که «نه شیر شتر و نه هم دیدار عرب ! » .

اکنون نیز رابطه میان مردم ستمدیده افغان که در کشور عقب نگهداشته شده ای بنام افغانستان و در قفس طلائی پرزرق و برق نظام مافیائی سرمایه داری اسیر گشته ایم و جهان مافیایی غارتگر سرمایه داری جهانی که اکنون گروهی از هم تباران ما را از این قفس شبه طلائی با رُتب و مقامات گوناگون لشکری و کشوری بیرون آورده و به خیابان های واشنگتن به گردش برده اند تا برای دیگر همکاران و سهامداران یا همان کشورهای جهان سرمایه داری که در کسوت و تشکیلات یک « شرکت بین المللی امنیتی مبارزه با تروریسم ! » بر هویت و ثروت ملت های شرقی منجمله افغانستان حمله آور گردیده اند از این پروژه ء سیر و سیاحت برده گان امتیازاتی بدست آرند .

راستی نتایج این همه تبلیغاتی که قبل از انجام این مسافرت و پس از اتمام آن به عمل آمد چیست ؟ و بیانیه مشترکی که به یقین بصورت یکجانبه و با توجه به توانمندی های بالفعل هر دو جانب معادله قدرت با دقت نوشته شده و بنام بیانیه مشترک ایالات متحده امریکا و افغانستان انتشار یافته دارای چه محتوای ماهوی است ؟ ! نقاط مورد اطمینان در آن کدام است ؟

سوال اساسی و مهمی که اکنون مطرح است این است که آیا واقعاً ما دچار کمبود و فقدان کمی امضاً قراردادها و میثاق های هستیم که با تشریفات بلند بالای دیپلماتیک امضا شده باشد؟ و یا هم ما به هر دلیلی به مرحله ای نرسیده ایم و عمدتاً از همان آغاز مبارزه با تروریسم با پودر امتیازات آلوده و آغشته ای مان ساخت و اکنون در اعتیاد همان « پودر امتیازات و ثروت اندوزی » کالبد های بی جان و بی اراده ای هستیم که هر آنچه دیگران اراده کنند همچون عروسک های کوکی ما را می رقصانند! شاید بی جا نباشد که خاطر چند سال قبل خودم را از ملاقات با یکی از بلند رتبه ترین ارکان نظامی و امنیتی وزارت دفاع افغانستان با شما عزیزان خواننده نیز شریک سازم و شما با مرور بر آن شما خواننده گان عزیز این یادداشت در خواهید یافت که جراثیم مهلکه ای از این بیماری مهلک چگونه و از چه زمان بدینسو درخت تنومند آزادی و آزادگی مردم افغانستان را نشانه گرفته است؟ و عامل اصلی این پوسیده گی عمومی نه فقط تاریخی بلکه اکثر فرهنگی و سیاسی انسان باشنده این سرزمین به کجا ها پیوند و گره خورده اند؟

البته به دلایل خاصی از بردن اسما و نام های تمامی کسانی که با این حکایت و داستان واقعی ارتباط دارند خود داری می گردد. در یکی از روزهای تابستانی کابل در یک خانه مجلل واقع در کارته سه آن شهر دوستان برایم مردی از تبار راد مردان را که از سمت نظامی اش در وزارت دفاع افغانستان استعفی داده و برای امرار معاش زندگی خود به حیث وکیل پارلمان کشور مشغول وظیفه شده بود معرفی نمودند، که با دیدن وی نیز خوش شده واز اینکه آرزوی چندین ساله دیدار با یکی از عزیزانی که دیدنش از آرزوهای قلبی ام بود تحقق می یافت برایم دلپذیر بود. پس از کسب احوال و تشریفات مقدماتی از نزد اش سوالی نمودم که آقای... شما چرا از وزارت دفاع افغانستان که وظیفه مهمی داشتید استعفا دادید و وظیفه پارلمان کشور را پذیرفتید؟! ** و چرا با اینکه دوره « اداره مؤقت افغانستان» که دارای « وظائف و مسؤولیت های محدود و مؤقت» بود نتوانیست قبل از اتمامش جهت ارزیابی و دریافت پاسخ این پرسش که آیا ما به اجرای همه آن وظائف مطروحه در مرحله شش ماهه ای که بنام " اداره مؤقت " باید انجام میدادیم گردهم آئی را بنام کنفرانس نتیجه گیری یا هر اسم دیگری فرا می خواندید و برویت نتایج و ارزیابی علمی و دقیق آن گردهم آئی به دوره انتقال جامعه افغانی اقدام بعمل می آمد؟

آن افسر برکنار شده از وظائف وزارت دفاع افغانستان در پاسخ این پرسش برایم چنین گفت:

من از همان آغاز مبارزه با تروریسم نمائنده افغانستان در ائتلاف جهانی ضد تروریسم یا ایساف که طبق قطعنامه های شماره ۱۳۸۶، ۱۴۱۳ و ۱۴۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد و طبق فصل هفتم منشور ملل متحد و مفاد موافقتنامه ۶ دسمبر ۲۰۰۱ بن به منظور کمک به حفظ امنیت برای

کمک به دولت انتقالی افغانستان و اجرای برنامه ها و فعالیت های سازمان ملل متحد در آن کشور تشکیل شد و جزئیات مسئولیت و حیطه اختیارات ایساف، طبق موافقتنامه فنی نظامی Military Technical Agreement یا (MTA) که در ۴ جنوری ۲۰۰۲ بین جنرال انگلیسی جان مک کول به عنوان اولین فرمانده ایساف و دولت انتقالی امضا شد ، بودم . جالب آنجاست که در یکی از روزهای بهاری کابل وقتی به حیث نماینده افغانستان به یکی از جلسات ائتلاف جهانی ضد تروریسم وارد شدم فرمانده ائتلاف جهانی که همان جان مک کول بود بر سرواگذاری امنیت و دفاع خودی نیروهای مسلح افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان که غالباً اوایل دهه دوم یا همین سال ۲۰۱۴ میلادی بوده باشد سخنرانی میکرد و طی سخنانش گفت : " که افغانها نباید به این فکر باشند که ما برای دائم و همیشه برای شان امنیت خواهیم گرفت بلکه این وظیفه نیروهای مسلح و ارتش افغانستان که باید از تمامیت ارضی و استقلال خویش دفاع کنند . " این جنرال انگلیسی در سخنانش افزود که جامعه جهانی نیز با توجه موقعیت حساس و ژوپولیتیکی افغانستان و تفاهات نظامی ای که با تمامی همکاران جبهه ضد تروریسم بعمل آمده است برخی شرائطی را دارا اند .

ادامه دارد

* قدرت خانم واژه ای است که از ادبیات فارسی مروج در ایران به عاریت گرفته شده است و درباره کسانی که رسیدن به

قدرت این معشوق زندگی شان را بزرگترین هدف میدانند اشاره گردیده است

** غالباً با انتقال دوره مؤقت و تدوین قانون اساسی افغانستان برای نخستین بار نهادی بنام پارلمان در افغانستان بصورت

انتخابی بوجود آمده بود